



نخستین دیدار

علی حضرت و رضا شاه کبیر

از

ویرانه‌های تخت جمشید

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
مرکز تحقیقات و نشر
پرتال جامع علوم انسانی

از

علی سامی

(استاد دانشگاه پهلوی)



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

نخستین دیدار اعلیحضرت رضاشاه کبیر از

ویرانه‌های تخت جمشید

«باید دیوار بکشند که زیاده بر این تخت‌جمشید را خراب نکنند . باید فکر اساسی برای اینجا کرد .»
(از فرمایشات اعلیحضرت رضاشاه کبیر در نخستین دیدار تخت‌جمشید)

اعلیحضرت رضاشاه کبیر هنگامی که در سال ۲۴۸۱ شاهنشاهی برابر با ۱۳۰۱ هجری خورشیدی سمت وزارت جنگ را بعهده داشتند ، برای پیشواز از احمد شاه قاجار ، که از سفر اروپا از راه بوشهر و شیراز عازم تهران بود، در بین راه دیداری از ویرانه‌های تخت‌جمشید مینمایند . بطوریکه معمیرین و شخصیت‌های فارس که باستقبال معظم‌له که از تهران می‌آمدند، شتافته بودند و در این دیدار افتخار حضور داشتند، گفته‌اند، رضاشاه کبیر از دیدار سنگ نگاره‌ها و مانده‌کاخها و تصور شکوه و فردیرین این پایتخت شرق باستانی، در شگفت می‌شود . ولی از عدم توجهی که نسبت بحفاظت و صیانت آنجا معمول شده ، سخت متاثر و مغموم میگردد ، و شخصیت‌های آنروزی فارس از قبیل ابراهیم قوام شیرازی و اسمعیل صوت‌الدوله قشقائی و غیره را سرزنش مینمایند، که در منطقه آنها

نمی بایست نسبت به حفظ يك اثر مهم و بزرگ باستانی تا این حد بی قید و بی تفاوت باشند، و سفارش مینمایند که آنجا دیواری کشیده شود و مراقبت نمایند که چهارپایان و اشخاص نادان و بیکاره بیش از این به نقوش و آثار لطمه وارد نسازند .

در روی عکسی که از این دیدار گرفته شده بخط شادروان فرج‌اله بهرامی (دییراعظم) که در آن زمان رئیس دبیرخانه و از ملازمان اعلیحضرت رضاشاه کبیر بوده این عبارت نوشته شده است:

« می فرمایند باید دیوار بکشند که زیاده بر این تخت جمشید را خراب نکنند . باید فکر اساسی برای اینجا کرد »

همیشه دریاد و در اندیشه تخت جمشید

اعلیحضرت رضاشاه کبیر همیشه دریاد تخت جمشید بودند و اعتقاد داشتند که دیدار باقیمانده این آثار بزرگیهای ایران، باید از لحاظ ایجاد غرور ملی و میهن پرستی نصب العین هر فرد ایرانی، و سر مشق کوشش و کار مردم باشد .

روز ۲۵ آذر که به تخت سلطنت جلوس فرمودند آن روز را سلام عام می گرفتند و تعطیل عمومی بود. فرمان دادند تعطیل را موقوف و سلام هم گرفته نشود. منطلق شاهنشاه این بود که مملکت تشنه کار و فعالیت است، و باید حتی المقدور از تعطیل ها کاسته شود. بنابراین از ۲۵ آذر ۱۳۰۷ دیگر جشن جلوس اعلیحضرت رضاشاه کبیر براریکه شاهی گرفته نشد. اما روز مزبور بطور خصوصی، هیئت دولت و طبقات مختلف در قصر پهلوی شرفیاب شدند و اعلیحضرت در این پذیرائی

۱- صفحه ۳۷۸ مجلد سوم گزارشهای باستان شناسی چاپ وزارت فرهنگ سال ۱۳۳۴ .

نطق جامعی ایراد فرمودند که خلاصه اش اینست :^۲

« من تعطیل امروز را موقوف نموده و گفتم بجای اجرای مراسم سلام بکارهای مملکت پرداخته شود. من مایلم هرچه ممکن است برای جامعه و مملکت خدمت انجام گیرد .

تاریخ گذشته ایران از مجد و عظمت ایران کهن حکایت میکند، و این عظمت را در خرابه های تخت جمشید میتوان یافت که عاری از مدح و ذم تاریخ نویسان است . زیرا عظمت سلاطین قدیم ایران بچشم دیده میشود. من وقتی عمارات تخت جمشید را دیدم، آن آثار بزرگ مرا تکان داد. فوق العاده متاثر شدم ، ولی از طرفی خوشوقت شدم که سلاطین بزرگی در ایران حکومت کرده اند، که این آثار بزرگ را از خود بیادگار گذارده اند . غرور ملی و وطن پرستی باید نصب العین هر فرد ایرانی باشد. امروز روز سعی و عمل و جدیت است ، من میل دارم قدمهای بزرگی برای عظمت مملکت و خیر ملت انجام گیرد. »

در همین سلام خصوصی که طبقات مختلف پذیرفته شده بودند ، مدیران روزنامه هاهم در گوشه تالار بار قرار داشتند. معظم له شادروان سید محمد تدین را که در آنوقت وزیر معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه بود مخاطب قرار داده فرمودند : شما رئیس آنها هستید و واقعاً یکوقتتی هم روزنامه می نوشتید . آنگاه خطاب بمدیران جراید فرمودند :

« روزنامه ها خیلی خوب شده ولی گویا با جراید خارجی کمتر تماس دارید ، من در مطبوعات خارجی مقالاتی میخوانم که از نقطه نظر عمومی نهایت ارتباط را با سیاست ایران دارد ، و این قبیل

۲- صفحه ۴۴ اطلاعات در ربع قرن نوشته شادروان عباس مسعودی .

مقالات مطبوعات خارجی باید مورد دقت و بحث جرائد ما واقع شود، که دائماً از اوضاع دنیا که مربوط بمنافع ایران است مطلع باشند.

توضیح آنکه اعلیحضرت رضاشاه کبیر ساعاتی را برای مطالعه مطبوعات تخصیص داده بود، که در آن ساعت نه فقط جرائد داخلی بلکه ترجمه مقالات مهمی که در جرائد دنیا انتشار مییافت، بدقت میخواندند و در حقیقت از تمام اوضاع کشور و جهان باخبر بودند. ضمن همین شرفیابی بود که پس از دو مین بار که اعلیحضرت رضاشاه کبیر در آذرماه ۲۶۸۷ شاهنشاهی (۱۳۰۷) تخت جمشید را بازدید فرموده بودند، اشاره‌ای هم به آثار با عظمت تخت جمشید مینمایند و میفرمایند:

«مشاهده آثار تاریخی شوش و سرستونهای عمارات قدیم ایران و آثار تخت جمشید همه حکایت از عظمت و افتخارات کشور عزیز ما مینمایند که تماشای آن لذت بخش است.»

در همین جلسه پذیرائی بود که خطاب به شیخ خزعل فرمودند: تو چرا از این لباس بیرون نمیائی. در تمام خوزستان قبائل و مشایخ تغییر لباس و کلاه داده‌اند. از آنروز بعد شیخ تغییر لباس داد کلاه پهلوی بپوشید و کت و شلوار پوشید.^۳

وضع تخت جمشید پیش از دوران سلطنت دودمان پهلوی

تخت جمشید تا پیش از سلطنت اعلیحضرت رضاشاه کبیر وضع بسیار نامتناسبی داشت، و چند ماهی از سال مسکن ایلات و عشایری بود که هنگام رفت و آمد به سردسیر و گرمسیر آنجا را توقف‌گاه

۳- صفحه ۴۵ اطلاعات در یک ربع قرن نوشته شادروان عباس مسعودی

خود قرار داده ، و آرامگاه‌های شه‌ریاران هخامنشی را آغل و جای گوسفندان نموده بودند ، و هنگام بیکاری هم از اینکه چشم سنگ نگاره‌ها را برای آزمایش تیراندازی خود، هدف قرار دهند، ابائی نداشته‌اند .

پیش از این ، یعنی در سده‌های گذشته پس از اسلام هم وضع بهتری نداشته ، و پیوسته مورد بی‌مهری و بی‌توجهی این‌اء زمان بوده ، و بشهادت نوشته‌های خاورشناسان و جهانگردان از سنگهای بنای تخت جمشید برای ساختمانهای روستاهای مجاور استفاده میشده ، و از شمال ستونها و تنه ستونها برای سنگهای آسیاب تا بند امیر برده میشد ، و یکی دو تا از زیر ستونهاش در مسجد جامع عتیق شیراز ، در کنار خدایخانه (بنای وسط مسجد) گذارده شده بود ، که تا چهل پنجاه سال پیش بنام «دیگ‌امام حسن» ! نامیده میشد .

بی‌مناسبت نیست که به‌چند جمله از یادداشتهای خاورشناسان که در همین موضوع است ، اشاره نماید :

«سرتماس هربرت» انگلیسی که در سالهای ۲۱۸۶ ، ۲۱۸۸ شاهنشاهی برابر با ۱۶۲۷ تا ۱۶۲۹ م. (عصر صفوی) مسافرتی پیران کرده ضمن توصیف تخت جمشید از اینکه آن بنای معظم بدست فراموشی سپرده شده ، ابراز تأسف کرده مینویسد :

«جای بسی تأسف است که اهالی شیراز ، و روستائیان مرودشت و سایرین ارزشی برای تخت جمشید قائل نیستند و در نگاهداری آن نمی‌کوشند .»

«پیرلوتی» نویسنده شه‌یرفرانسوی در کتاب «بسوی اصفهان» نوشته است :

« آیا چه سری است که آنچه در روزگار پیشین شکوه و جلال

داشته ، بعدها شوم و متروک مانده ؟ چرا مردم این ناحیه حاصل - خیز و مصفا ، این آسمان صاف را گذارده ، و از سکونت در آن گریزان هستند ؟ چرا سابق تا آن اندازه شکوه و جلال در پرسپولیس جمع شده ، و اکنون صحرائی بیش نیست ؟

برای من چه اهمیتی دارد که حقایق مطلق تاریخی را بدانم برای من کافی است که بدانم این خرابه ها عظیمترین آثار زمان خود بوده «مایل می باشم کمتر خراب شوند ، تادر برابر چشمانمان نبوغ يك عصر و یایک نژاد را جلوه دهند .»

«آبرام والانتین ویلیامز جکسن»^۴ (۱۸۶۲ - ۱۹۳۷ م)
 خاورشناس شهیر امریکائی در کتابی تحت عنوان «ایران در گذشته و حال» پس از شرح مفصل آثار تخت جمشید که در سال ۱۹۰۳ میلادی آنجا را دیده ، آرزوی روزهای درخشانی را برای ایران نموده و مینویسد :

« همه ویرانه های تخت جمشید ، شکوه و جلال تباه شده گذشته هستند ، اما چه کسی میداند ؟ شاید ازدرون سایه های ایام گذشته ، از میان گرد و غبار قرون از یاد رفته ، از میان خاکسترهای آتش سیمرغ ، و از میان ایران متلاشی و از هم گسیخته ، کسی پیدا شود که دست توانایش شکوه شاهنشاهی گذشته ایران را بدان باز گرداند ، و بار دیگر صفحات تاریخ ایران را تابناک سازد ، و عظمتهای عهد پارتیان و شاهنشاهی ساسانیان را زنده سازد ، و باردیگر مردم و سرزمین شیر و خورشید را به اوج اعتلا برساند .»

آغاز کاوشهای باستان شناسی در تخت جمشید ، ویرانه‌های استخر و تپه‌های پیش از تاریخ مرودشت .

علاقه و اشتیاقی که از طرف اعلیحضرت رضاشاه کبیر به نگاهداری و ترمیم بزرگداشت مفاخر و مآثر ملی بویژه نسبت به تخت جمشید از زمان ریاست وزرائی معظم له مبذول میگردید ، سبب شد که این یادگار شاهنشاهی بزرگ هخامنشی ، که نموداری از هنر عالی شرق باستانی میباشد ، بطور دلخواه و شایسته‌ای در دست کاوش و تعمیر و نگاهداری قرار گیرد .

شادروان پرفسور ارنست هرتسفلد^۵ که از باستان شناسان بنام سده اخیر میباشد، در سال ۲۴۸۲ شاهنشاهی برابر با ۱۳۰۲ خورشیدی (ژانویه ۱۹۲۴ میلادی) زمان استانداری شادروان نصرت‌الدوله فیروز در فارس ، دیداری از تخت جمشید مینماید ، و چند هفته‌ای در آنجا میماند . شاهزاده فقید از او تقاضا میکند ، یک گزارش جامعی درباره وضع تخت جمشید و تدابیری که باید برای نگاهداری و ترمیم آنجا گرفته شود ، تنظیم کند، تا برای جلب توجه اعلیحضرت رضاشاه کبیر بدربار ، تقدیم نماید . هرتسفلد گزارش مشروحی بانقشه و عکسهای جالب تهیه و تسلیم مینماید . این گزارش جامع و محققانه در سال ۲۴۸۷ شاهنشاهی برابر ۱۹۲۸ میلادی بنام «اتلال شهر پارسه» بزبان فرانسه چاپ و ترجمه آن بفارسی توسط استاد مجتبی مینوی منتشر شد . پس از آن بارغبتی که از طرف دولت ایران برای کاوشها و پژوهش‌های باستان شناسی در تخت جمشید و سایر آثار باستانی جلگه مرودشت مشهود گردید ،

5— Ernest Herzfeld

6— Rapport sur l'état actuel des ruines de Persépolis

هرتسفلد تصمیم گرفت که توجه بنگاهها و مجامع علمی و باستان-شناسی امریکا را به کاوش در تخت جمشید جلب نماید .

در سال ۱۹۳۰ رکفلر ثروتمند معروف امریکائی بر حسب تشویق اتجمن امریکائی صنایع و آثار باستانی ایران^۷ که ریاست افتخاری آن با پرفسور ویلیام جکسن بود^۸ و پرفسور آرتور پوپ^۹ نیز مدیریت آن را به عهده داشت، حاضر گردید مبلغی جهت کاوشهای باستان شناسی مصر و ایران در اختیار پرفسور بریستد^{۱۰} استاد دانشگاه شیکاگو بگذارد. یک بانوی نیکوکار امریکائی هم که هیچگاه مایل نبود نامش برده شود برای انجام خدمت علمی اساسی در تخت جمشید مبلغ متنابهی به اختیار همان دانشمند گذارد و پرفسور بریستد نیز پرفسور هرتسفلد را مامور کاوش تخت جمشید کرد . وی با تدارکات و اعتبار کافی به سرپرستی هیئتی به تخت جمشید رهسپار شد و چون زمینه صدور پروانه حفاری و مقدمات وسائل کار از پیش فراهم شده بود ، توانست از بدو ورود آغاز بکار نماید، و این آرزوی دیرینه را بر آورد .

سرپرستی امور حفاری تا سال ۲۴۹۴ شاهنشاهی (۱۳۱۴) با این باستان شناس عالیقدر بود ، و از آن تاریخ تا شهریور ۲۴۹۸ برابر با ۱۳۱۸ خورشیدی (سپتامبر ۱۹۳۹) که همزمان با آغاز جنگ جهانی دوم گردید ، و هیئت کار خود را تعطیل نمود، سرپرستی کاوشها با دکتر اریک اشمیدت^{۱۱} باستانشناس فقید امریکائی

7— American Institut for Persian art and archaeology

8— H. V. William Jackson

9— Arthur upham pope

10— Breasted

11— Schmidt

بود . بازرسان فنی و کارشناسان اداره کل باستان شناسی نیز با این هیئت همکاری و در کار آنها نظارت داشتند .

اعلیحضرت رضاشاه کبیر در عرض نه سالی که هیئت حفاری امریکائی در تخت جمشید کاوش میکرد ، دوبار پیشرفت‌های کار حفاری و تعمیرات و نگاهداری آثار را از نزدیک مشاهده فرمودند: یکبار در سال ۲۴۹۱ شاهنشاهی (۱۳۱۱) و بار دوم در بهار ۲۴۹۶ شاهنشاهی (۱۳۱۶) . در سال ۲۴۹۱ شاهنشاهی پلکان شرقی کاخ بارداریوش بزرگ (آپادانا) از زیر خاک بیرون آمده بود و در سال ۲۴۹۲ شاهنشاهی (۱۳۱۲) خشت‌نبشته های عیلامی دبیر-خانه شاهی و عمارات دامنه کوه رحمت بنام «خزانه شاهنشاهی» از زیر خاک بیرون آمده و تخت جمشید جلوه‌های چشمگیر تر و گویاتری پیدا نموده بود .

درباره دیدار آبان ماه ۲۴۹۱ شاهنشاهی و تأثیری که کاوشها و اشیاء تازه بیرون آمده از خاک در شاهنشاه کبیر نموده ، به نقل قسمتی از نوشته روزنامه اطلاعات شماره ۱۷۴۹ اکتفا مینماید :

شاهنشاه در ویرانه‌های تخت جمشید

«وقتی اعلیحضرت رضاشاه از پله‌های عمارت تخت جمشید بالا میرفتند و حجاریمهای زیبائی را که بوسیله هر تسفلد آلمانی از زیر خاک بیرون آمده بود ، دیدن میکردند ، مجسمه سپاهیان عهد داریوش و خشیارشا توجه معظم له را جلب نمود و فرمودند :

« حجاری روی سنگ باین زیبائی امروز هم مشکل است . چه صنعتگران ماهری ایران قدیم داشته ، و چه عظمت و افتخاری کشور ما دارا میباشد » تالارهایی که با سرستونهای حجاری شده از زیر خروارها خاک بیرون آمده بود ، همه را تماشا فرمودند و بعد کتیبه سنگی که در

ویرانه های کاخ خشایارشا پیدا شده بود ، توجه شاه را جلب نمود . از ترجمه خطوط میخی کتیبه سنگی پرشش فرمودند و پرفسور هر تسفلد بعرض رسانید که چون میدانستم اعلیحضرت باین قسمت توجه خواهند فرمود ترجمه آنرا قبلا حاضر کرده ام و تقدیم نمود و بشرح زیر خواند :

«خدای بزرگی است اهورمزدا ، که زمین را آفرید ، که آسمان را آفرید ، که انسانرا خلق فرمود ، که شادی را برای بشر آفرید ، که خشایارشا را شاه کرد . یگانه پادشاه جهان ، یگانه فرمانروا بین فرمانروایان بیشمار .

من خشایارشا شاه بزرگ شاه شاهان شاه کشورهای پرجمعیت شاه این دیار پهناور — پسرداریوش شاه هخامنشی . خشایارشا میگوید : که پدر من داریوش است پدرداریوش ویشتاسپ بود و پدر ویشتاسپ ارشام و ویشتاسپ وارشام هردو زنده بودند که اهورمزدا بخواست خود پدر من داریوش را پادشاه این کشور گردانید . پس از شاه شدن خیلی کارهای بزرگ انجام داد .

خشایارشا میگوید : که داریوش پسران دیگر نیز داشت ، ولی چون اراده اهورمزدا بود ، داریوش مرا پس از خودش از همه بزرگتر گردانید (ولیعهد کرد) هنگامی که پدرم داریوش از تخت پائین آمد (بمرد) بلطف اهورمزدا من بر تخت پدرم شاه شدم . پس از شاه شدن منم کارهای بس عالی نمودم . آنچه پدرم درست کرده بود ، با کارهای دیگر من کامل نمودم ، آنچه پدرم کرد و آنچه خودم نمودم تمام را در سایه مرحمت اهورمزدا انجام دادیم .

خشایارشا میگوید : اهورمزدا مرا و کشور مرا حمایت کند . آنچه من و پدرم کرده ایم ، حمایت و حفظ فرماید .
هنگامی که ترجمه خطوط میخی کتیبه ها را برای شاهنشاه

می خواندند ، در دریای بهت غوطه ور بودند، و پس از پایان آن ، فرمودند : راستی چه عظمتی ایران قدیم داشته است .

یکروز تمام وقت شاهنشاه در خرابه ها صرف گردید ، و همه قسمت‌هایی را که از زیر خاک بیرون آمده بود ، تماشا فرمودند و دستور دادند ، اقدامات اکتشافی خود را ادامه دهند . و این آثار گرانبها را در معرض دید مردم ایران بگذارند که بدانند نیاکان ما چه عظمت و افتخاراتی برای ما بیادگار گذاشته اند .^{۱۲}

در مسافرت سال ۲۴۹۶ شاهنشاهی (۱۳۱۶ هجری خورشیدی) شاهنشاه پس از چند روز اقامت در شیراز ، و رسیدگی بکارهای استان فارس ، کارخانه قند مرودشت را گشایش فرمودند و از آنجا به تخت جمشید رفتند و یکروز و یکشب را با ولیعهد (شاهنشاه آریامهر) در بارگاه پادشاهان باستانی ایران گذراندند . شاهنشاه که از تماشای آثار دوره مجد و عظمت ایران لذت می بردند ، یکروز تمام وقت صبح و عصر خود را در خرابه ها گذرانیدند و یک آثاری را که از زیر خاک بیرون آمده بود ، مورد توجه و تحقیق قرار دادند . شادروان عباس مسعودی مدیر روزنامه اطلاعات که در آن سفر از ملتزمین رکاب بوده ، پس از درج خبر تشریف فرمائی اعلیحضرت رضا شاه کبیر به تخت جمشید در شماره های ۱۸ و ۱۹ فروردین مقالاتی نوشته که خلاصه آن چنین است :

« شخص هنگامی که از پله های تالار آپادانا یا تالار بارعام که از زیر توده های سنگ و خاک از تخت جمشید بیرون آمده است ، بالا می رود ، شکوه و هیبت این آثار روح او را تسخیر نموده ، خیال میکند که در قرن پنجم پیش از میلاد زیست میکند ، از بالای این پله ها و فراز دامنه کوه رحمت در افق تصور متن حقیقی تاریخ که اوراق آنرا

۱۲- روزنامه اطلاعات شماره ۱۷۴۹ و صفحه ۹۷ اطلاعات در یک ربع قرن .

همین ستونهای شکسته، ولی پا برجا، و تخته سنگهای بزرگ تشکیل میدهد، نمایندگان ملل مختلف آنعهد را درحجاریهای زیبا ازدور مینگرد، که نفیسترین اشیاء عصر و زمان خود را برای پیشکشی بآستان خشایارشا برطبقهای زرین نهاده، و باسکوت مقرون باحترام سرها را بزیر انداخته بالا میروند، تا به ترتیب وارد تالارآپادانا شده، هدایای خود را تقدیم دارند. آپادانا بین سالهای ۴۸۵ تا ۴۶۵ پیش از میلاد یعنی زمان شاهنشاهی خشایارشا، از دریای سند تا سواحل دریای سرخ و شمال افریقا معروف بوده است. ملل مختلفی که در حوزه مذکور زیست میکردند، در بارعام خشایارشا را بخوبی می شناخته و سلطنت بیست ساله خشایارشا این دربار را شهرتی بسزا داده بود. در این تالارخشایارشاروزهای مخصوص وعیدهای رسمی و بزرگ بارعام میداده و این نقشه ها و حجاریها سرگذشت بسیار درخشانی از شکوه و عظمت دربار او در دو هزار و اندی سال پیش حکایت میکنند.

«علما و دانشمندان غرق بهت و حیرت شدند وقتی از زیر خاک، حجاری فاضل آب و نهرهایی بسبک لوله کشی تخت جمشید را کشف نمودند. نهرهای سنگی زیر زمینی که آب را از تخت طاوس در دو فرسخی تخت جمشید بعمارات مختلف تخت جمشید تقسیم میکرد، شایان دقت است. از این جالب تر مجرای فاضل آب است که در زیر زمین های تخت جمشید کشف شده. این نهرهای فاضل آب وسیع، از تخته سنگهای بزرگ ساخته شده و آب زاید و فاضل را بخارج انتقال میداده است.»^{۱۲}

* * * * *

بنگاه شرقی شیکاگو نزدیک به نه سال که در تخت جمشید کاوش مینمود، مبلغ قابل ملاحظه‌ای هزینه کرد و گروه کاوشگران مرکب بود: از رئیس هیئت و مهندس و نقشه بردار و عکاس و حسابدار و وصال و میکانیك و چند کارشناس دیگر، که در تخت جمشید، تپه‌های پیش از تاریخی پیرامون تخت جمشید (تل باکوم) ، ویرانه‌های شهر باستانی استخر و نقش رستم بکاوشهای باستان‌شناسی مشغول بودند، و در نتیجه موفق گردیدند، بسیاری از قسمتهای برجسته و مهم تخت جمشید را که سده‌ها در زیر خاک نهفته و برای روشن شدن ، بنای چنین کاخ عظیمی حائز کمال اهمیت بود، از قبیل پلکان شرقی کاخ آپادانا، پلکان‌های شمالی کاخ مرکزی (سه‌دری) ، الواح سیم و زر داریوش بزرگ، ساختمانهای معروف بخزانه ، دبیرخانه شاهنشاهی باسی و اندی هزارخشت نبشته، که هر کدام بنوبه خود عامل مهمی برای نمایانیدن و شناسائی هنرها و بدایع کار این مجموعه هنر، توأم با عظمت و قدرت کم نظیر هنرمندان دوره هخامنشی است، از زیر خاک بیرون بیاورد، که البته قسمت مهم این اقدامات مرهون علاقه و وقوف پرفسور هر تسفلد بود .

پس از عزیمت هیئت علمی امریکائی در مهرماه ۲۴۹۸ شاهنشاهی (۱۳۱۸ - خورشیدی) بر حسب دستور شاهنشاه رضا شاه کبیر وزارت فرهنگ و اداره کل باستان شناسی مستقیماً امور حفاری و خاکبرداری و صیانت آثار را بوسیله بنگاه علمی تخت جمشید تحت نظر گرفت ، و تا پایان سال ۲۵۱۹ شاهنشاهی برابر با ۱۳۳۹ خورشیدی بطور کلی کاوش و خاکبرداری روی صفا تخت جمشید و قسمتی از بناهای خارج از صفا در زاویه جنوب باختری پایان پذیرفت و در نتیجه نقشه تمام بناهای روی صفا، بضمیمه مقداری از اشیاء و نقوش معلوم و نمودار گردید .

پس از عزیمت هیئت علمی امریکائی سرپرستی کارهای تخت جمشید برای چند ماه بعهده آقایان مهندس حسین یروانید و دکتر عیسی بهنام و پس از ایشان سرپرستی امور کاوشها و تعمیرات از سال ۲۴۹۹ شاهنشاهی (۱۳۱۹ ه. ش) تا خردادماه ۲۵۳۰ شاهنشاهی (۱۳۴۰) بعهده این نویسنده بود و هیئت علمی ایرانی در این مدت بیست و یکسال، موفق شد در ساختمانهای خاوری کاخ صد ستون سنگی خشایارشا و کاخ ۳۲ ستونی و خیابان بین ورودی آپادانا و ورودی نیمه تمام کاخ صدستون سنگی، و پیرامون دو آرامگاه اردشیر دوم و سوم هخامنشی و حرمسرا و ساختمانهای جنوبی کاخ آپادانا و بناهای دامنه کوه رحمت، و همچنین ساختمانهای بیرون از صفه تخت جمشید، و پیدا کردن تالار ۱۲ ستونی و اطاقهای اطراف آن، و استخر بزرگ سنگی، کاوشهای اساسی و مهمی بنمایند و اشیاء جالبی بدست بیاورد، و قسمتهائی از آثار و دیوارها را در حدود امکان و با وسائل محدودی که در دست داشت، تعمیر و در جای خود استوار سازد. این تعمیرات و پژوهشها هم اکنون نیز ادامه دارد.

بعلاوه هیئت علمی ایرانی در این مدت، در تپه های پیش از تاریخ مرو دشت و خفرک و در پاسارگاد نیز، کاوشهایی کرد و مخصوصاً باقی مانده کاخهای شاهی کوروش بزرگ و کمبوجیه و خاندان و نیاکان او را در پاسارگاد نمودار ساخت و در پیرامون همین پایتخت باستانی، آثاری از هزاره های چهارم و سوم و دوم پیش از میلاد و از دوران اسلامی بدست آورد. همچنین توانست در روی صفه سنگی شمالی جلگه پاسارگاد معروف به تخت سلیمان کاوشهایی انجام دهد.

پیدایش سرستون دوسر شیر و سرستون دو سر عقاب و گاو، و پیکره سرخشایارشا از سنگ لاجوردی و دو بشقاب نقره منقوش،

روکش زرین در بزرگ آپادانا با نقش گاوهای بالدار، و بشقاب سالم سنگی یشمی رنگ با خط آرامی، قطعات يك گلدان شکسته شیشه بادسته‌ای از پیکره شیرو گاو، (این شیئی بلورین را ساغر یاریتون هم میتوان تصور نمود) پیکره شیراز سنگ لاجورد، قسمتی از سنگ نبشته میخی عیلامی خشایارشا معروف به سنگ نبشته «دیوان»، قطعات درسنگی آرامگاه اردشیر سوم، پیدایش تالار ۱۲ ستونی با خط میخی و استخر بزرگ در ساختمانهای خارج از صفه، از کشفیات جالب هیئت علمی ایرانی میباشد. تاسیس موزه و کتابخانه تخت جمشید و ساختمان نمونه کوچکی از تخت جمشید (ماکت) و تعمیرات بنا، از دیگر کارهای اساسی است که در زمان سلطنت دودمان پهلوی در بزرگترین آثار ملی ما انجام گرفته است، که همه آنها در مجله‌های دوم و چهارم گزارشهای باستان شناسی و در جلد سوم تمدن هخامنشی بنام: «پایتخت‌های شاهنشاهان هخامنشی» نشریه شماره ۹ دانشگاه پهلوی تألیف این نویسنده شرح داده شده است.

* * * * *

از اشیاء بسیار ارزنده و پراهمیتی که در ۲۷ شهریور ماه ۲۴۹۲ شاهنشاهی برابر با ۱۳۱۲ خورشیدی (۱۸ سپتامبر ۱۹۳۳) در خلال خاکبرداریهای گوشه شمال خاوری تالار مرکزی کاخ آپادانا پیدا گردید، يك جعبه سنگی ظریفی است با اندازه $۴۵ \times ۴۵ \times ۱۲$ سانتیمتر که درون آن دولوحه زر و سیم با اندازه ۳۳×۳۳ سانتیمتر و وزن رویهمرفته ده کیلوگرام (لوحه زر ۵ کیلوگرام و لوحه نقره ۴ کیلوگرام) گذاشته شده بود.

دوروز بعد یعنی در ۲۹ شهریور در گوشه دیگر برابر آن (زاویه جنوب خاوری) جعبه سنگی دیگری با دولوحه دیگر نظیر دولوحه

اولی، پیدا شد. این صندوقها را در دو گوشه دیوار خاوری کاخ آپادانا بدست داریوش بزرگ بنیانگذار تخت جمشید بجای يك خشت کار گذارده بودند. ولی بطور کلی تعداد آنها چهار صندوق پاهشت لوحه زروسیم بوده است، که دو صندوق دو گوشه شمال باختری و جنوب باختری تالار در سده های خیلی دور از بین رفته، و بدست کسان سودجوئی افتاده، که بدون توجه بارزش تاریخیش، لوحه ها را آب کرده و مورد بهره برداری قرار داده اند.

داریوش با گذاردن این لوحه ها در زیر پایه های بزرگترین و باشکوه ترین کاخ بار خود، علاوه بر نمودار ساختن مرزهای شاهنشاهی سرزمین پهناورش، که در تاریخ جهان تا آتروز همانندی نداشت، خواسته است به آیندگان بفهماند که او چه سرزمین هائی را پانژادهای گوناگون اداره می کرده است. و نیزه های پارسیان تا کجای دنیای متمدن و غیر متمدن آن روز بکار افتاده است.

نوشته میخی روی لوحه ها برای نμφاد است :

« داریوش شاه ، شاه بزرگ ، شاه شاهان ، شاه کشورها ، پسر ویشتاسب هخامنشی . داریوش شاه گوید : اینست شاهنشاهی که من دارم . از سکاها که آن سوی سفند است تاحبشه ، از هند تا سارد ، که آنرا اهورمزدا که بزرگترین خدایان است بمن ارزانی فرموده . اهورمزدا مرا و خانواده شاهی مرا بپاید . »

انتظار هیئت علمی امریکائی این بود که يك لوحه زر و يك لوحه سیم بهره موزه شرقی شیگاگو گردد، ولی پس از اینکه لوحه ها به نظر اعلیحضرت رضا شاه کبیر رسید، فرموده بودند: « این لوحه ها بمنزله سند مالکیت ایران کهن است، بهیچوجه صلاح نیست که از کشور خارج گردد و باید در کشور بماند . بنا بر این دو تائی آنها بموزه کاخ گلستان و دو لوحه بموزه ایران باستان داده شد .

در آذرماه ۲۴۹۲ شاهنشاهی ۱۳۱۲ هجری خورشیدی، انجمن ادبی ایران نظم پیدایش این لوحه‌ها را که در آن روزها از مهمترین مسائل و مباحث مورد بحث مجالس فرهنگی بود، با شرائطی بین سخنوران بمسابقه گذارد، و برای گوینده‌ای که اداء سخن و نظم موضوع و نوشته‌های روی آنها را بهتر از عهده برآید، بیست پهلوی طلا جایزه تعیین کرد. بیشتر از پنجاه نفر از سخنوران سراسر کشور در این مسابقه شرکت کردند، و قصائدغرا و چکامه‌های شیوائی ساختند. بین همه آنها اشعار سخنور در گذشته مسرور واجد شرایط و برنده مسابقه تشخیص داده شد.

آن اشعار چنین است :

گرانمایه دارای بارای و هوش	بگاہ جهاننداری داریوش
کز آن پس، ندید آنچنان برتری	چنان گشت ایران به پهنآوری
ز سیحون زمین تا به عمان کنار	گشوده شد از هند تا زنگبار
دل شه با بادیش خو گرفت	چو شد کشور آرام و نیرو گرفت
ندیده چنو خسروی بارگاه	گزیده سرائی که خورشید و ماه
بدان خشت‌ها، حدایران نوشت	بفرمود از سیم و از زر، دو خشت
به پرداخت استاد بافر و هنگ	یکی نفز صندوق از خاره سنگ
بجای یکی خشت در پی نهاد	پس آن خشت زرد دل وی نهاد
ز الماسگون خامه، نفز و هژیر	بدان لوح بنوشته دانا دبیر
کیان زاده از ویشتب سترگ	که شاه شهبان داریوش بزرگ
که ایزد مرا داده با سروری	همی گوید، اینست آن کشوری
به اسپاردا، آن در دیگرش	زیک ره سوی هند باشد درش
به کوشا و عمان دیگر روی او	به سفد و سکستان یکی سوی او
شدم بر چنین بوم و بر پادشاه	به یاری ارمزد برتر خدا
دیار من و خاتمان مرا	نگهدار باد اروان مرا

مگر گفت با سنگ ، شه داریوش
پرستار این خسروی عهد باش
جگر گوشه آفتابند و ماه
نگهدار پوشیده از مردمش
سکندر چو آید به ایران زمین
چو تازی بتازد بایران سمند
چو چنگیز و تیمور بینی براه
پس از چار صد سال بادو هزار
دو چشم من از دخمه بر راه اوست
نکودار ، کین لوح جان من است
بماند این چنین تا گه پهلوی
گذر کرد روزی بدان جایگاه
بفرمود استاد فرزانه را
چو کردند آن لوح شد آشکار

که ای سنگ فرمان من دار گوش
بدین عهد هم دایه ، هم مهد باش
ترا میمانند يك چند گاه
نه از مردم ، از اختر و انجمش
تو چون آب حیوان ، به ظلمت نشین
بخوان نام تهمورث دیو بند
ز خون سیاوش کن جان پناه
بدین شهر آید یکی شهریار
که آيادی گاه من ، گاه اوست
بدرگاه او ترجمان من است
برازنده افسر خسروی
دژم شد ز ویرانیش جان شاه
که نو سازد آن خسروی خانه را
که بود از پدر زی پسر یادگار

علاوه بر این دو لوح زر و دو لوح سیم، شش لوح زر و يك لوح سیم دیگر از آن شاهنشاهان هخامنشی بر حسب اتفاق تا این زمان پیدا شده است، باین ترتیب :

۱- لوح زر بنام آریارمنا^{۱۴} نیای بزرگ داریوش یکم پیدا شده در همدان پسال ۲۴۷۹ شاهنشاهی (۱۲۹۹ هجری خورشیدی) که در موزه برلن میباشد، با اندازه ۸ × ۱۲ سانتیمتر. این لوح ده سطر نبشته میخی پارسی باستان دارد. که تا این زمان کهنترین و نخستین نبشته پیدا شده در پهنه ایران میباشد .

۱۴- Ariyārāmnā نزدیک به ۸۱ تا ۳۱ سال پیش از تاریخ شاهنشاهی برابر با ۶۴۰-۵۹۰ پیش از میلاد .

۲- لوح زر ارشاما^{۱۵} نیای داریوش بزرگ پیدا شده در همدان، که در موزه مارسل ویدال-^{۱۶} مجموعه دار معروف امریکائی نگاهداری میشود. اندازه لوح ۱۳×۸ سانتیمتر با ۱۴ سطر نبشته میخی پارسی باستان.^{۱۷}

۳- لوح زر بنام داریوش بزرگ پیدا شده در کوی سرقلعه همدان بسال ۲۴۸۲ شاهنشاهی (۱۳۰۲ هجری خورشیدی) که در موزه ایران باستان نگاهداری میشود. اندازه لوح $۱۹ \times ۱۸ / ۸۰$ سانتیمتر.

۴- دو لوح زر بنام داریوش دوم که آنها نیز در همدان پیدا شده، که یکی در موزه کاخ مرمر و دیگری در موزه ایران باستان نگاهداری میشود اندازه آنها $۱۳ \times ۱۶ / ۲۰$ سانتیمتر و $۲۰ / ۵ \times ۱۸ / ۵$ سانتیمتر.

۵- لوح زر اردشیر دوم در موزه شخصی مارسل ویدال با اندازه ۱۳×۱۳ سانتیمتر و یک لوح سیم هم در همدان پیدا شده که در موزه ایران باستان میباشد.

گذاردن لوح زر و سیم یا سنگی و خشتی، در زیر پایه های ساختمانها یا کاخهای شاهان خاور زمین، از دیرگاهان معمول، و در آثار آشوریهها هم لوحهائی در پایه های کاخهایشان بنام «تمتو» کار میگذارند و مرسوم شاهان هخامنشی نیز چنین بوده، و دو لوح زر آریارمنا و ارشاما هم نمودار این روش میباشد. منتها داریوش بزرگ این افتخار را داشته است که بیاد بود بنیاد یک شاهنشاهی گسترده ای که

تاپیش از کوروش بزرگ پیشینه و همانند نداشته است، لوح‌هایی از زر و سیم در چهارگوشه کاخ پذیرائی تخت جمشید بدست توانای خود بگذارد، تا آیندگان بدانند که چه کشور پهناور و مردمان گوناگونی را در زیر فرمان داشته است.

خشت نبشته گلی شوش هم یکی دیگر از لوح‌های یاد بود ارزنده این شهریار بزرگ میباشد.^{۱۸}



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱۸- شرح این لوحهای سیم و زر و خشت نبشته تاریخی شوش در جلد یکم کتاب تمدن هخامنشی تألیف این نویسنده داده شده است.